نسیم جنوب

www.nasimjonoub.com

سال بیست و چهارم - شماره ۹۵۸ سه شنبه بیست و هشتم اردیبهشت ۱۴۰۰ - ۱۰۰۰ تومان



دزد منهول‌ها منم!

دکتر سجاد بهزادی

صفحه ۴



به انحراف کشیده شدن ساخت خانه امید در بوشهر

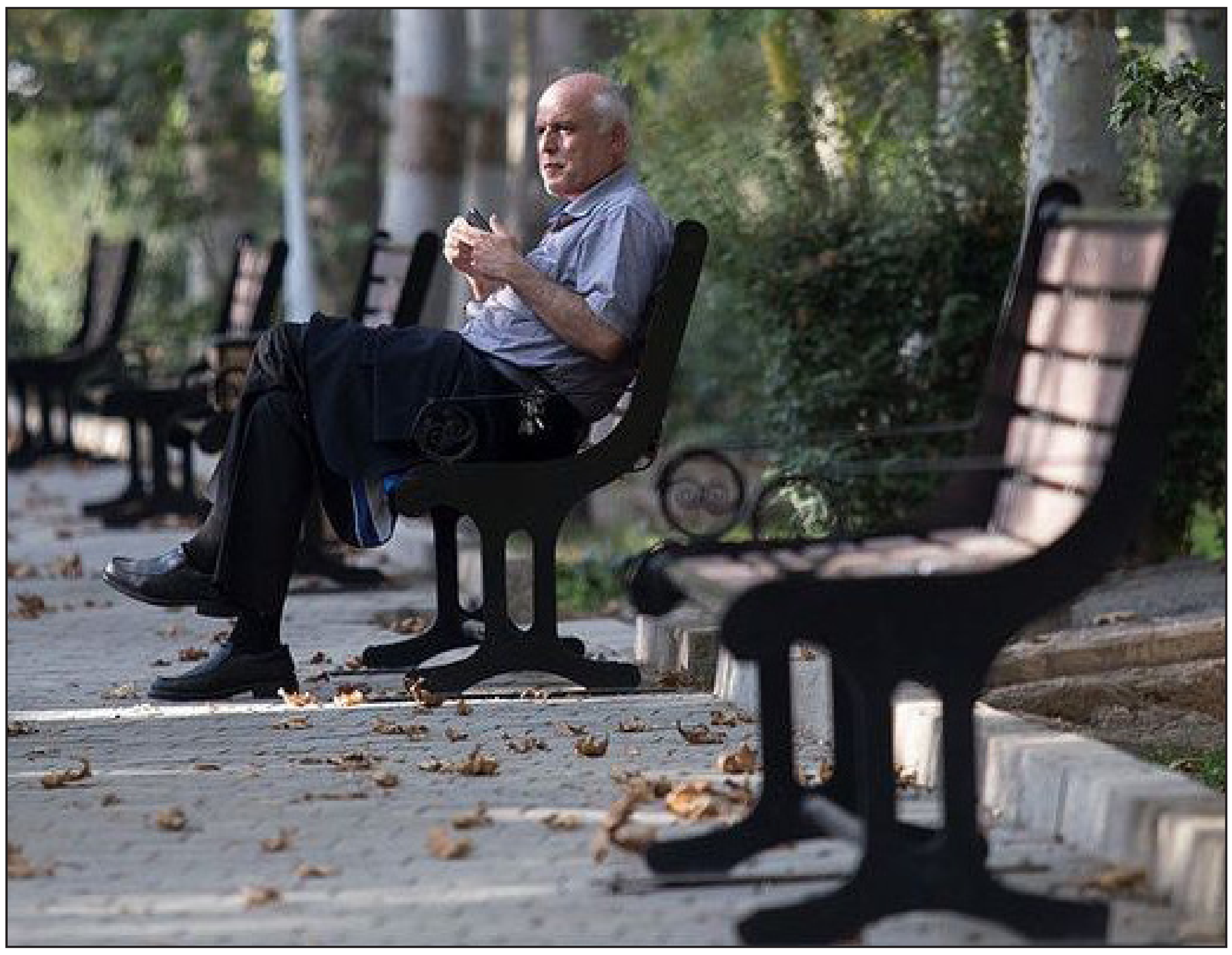
محمد محبوبی

صفحه ۳

نامه ۷ هزار بازنشسته صندوق بازنشستگی کشوری به مسئولان استان و شهر بوشهر برای احداث خانه امید

ما بازنشستگان را می شناسید؟

صفحه ۲



سلامی و کلامی... یونس قیصی زاده

ضرورت اعتمادسازی در انتخابات



انتخابات ریاست جمهوری با ثبت نام از داوطلبان شروع شد و از طیف های سیاسی موجود در کشور، افراد مختلفی ثبت نام کردند، اکنون نوبت شورای نگهبان است تا دست به گزینش بزند و کاندیداهای منتخب را برای رای گیری معرفی کند.

اما آن چه اکنون به طور ظاهری و بر اساس نظرسنجی ها مشاهده می شود فضای سرد و بی تفاوتی کثیری از مردم نسبت به انتخاب ریاست جمهوری است. به نظر می آید علاوه بر انگیزه های سیاسی، دلایل اقتصادی نیز در مشارکت این دوره انتخابات ریاست جمهوری، تاثیر گذار است.

مردم خسته از شرایط اقتصادی سالهای اخیر، در به وجود آمدن این وضعیت خود را بی تقصیر اما قربانی می بینند. جایی که نیاز به حضور آن ها بود، مسؤلانه با مشارکت ده ها میلیونی و با رای ۲۴ میلیونی خود به دیدگاهی رای دادند که خواستار تعامل با دنیا و رفع تحریم ها و صلح و دوستی با کشورها و برداشتن موانع سرمایه گذاری خارجی و ایجاد اشتغال و چرخیدن چرخ های اقتصادی و احترام به همه دیدگاه ها و استفاده از همه نیروها در مدیریت ها و ... بود، ولی در عمل فرسنگ ها با آن چه رای داده بودند، فاصله افتاد و نشد آن چه می خواستند.

اکنون در این شرایط وخیم اقتصادی و تنگناهای سیاسی، قبل از همه باید این افراد را قانع نمود که مشارکت و رای آن ها در انتخابات، باعث تغییر و تحول خواهد شد و در روند تصمیم گیری ها و کنش هایی که به طور مستقیم با زندگی مردم و سرنوشت کشور مربوط است، تاثیر گذار خواهد بود و این طور نیست که مردم دیدگاه و مدیریتی را انتخاب کنند ولی تصمیمات و کنش ها بر اساس دیدگاه دیگری گرفته شود. شاید برای شروع این اعتماد سازی میتوان صحنه انتخابات را به میدانی برای حضور همه گفتارهای موجود در جامعه تبدیل نمود تا مردم ببینند که کاندیداهای همه دیدگاه ها و گفتارها در صحنه انتخابات حضور دارند و نه تنها با حضور افرادی که مردم فکر می کنند مسبب وضعیت کنونی هستند، با شعارهای تکراری و وعده های همیشگی و دست نیافتنی، که در آن صورت است که میل به مشارکت در میان اقشار مختلف مردم بیشتر می شود.

موفقیت نخبه بوشهری در انگلیس



دو شرکت یک نخبه بوشهری در انگلیس در دو جایزه سالانه باگینگهام شایر سال ۲۰۲۱ در سه زمینه به فینال رسیده اند. مجلس عوام بریتانیا با ارسال نامه ای به دکتر حسین شریفی اعلام کرد که دو شرکت وی؛ شامل شرکت "کر اند کررز" که در زمینه بهداشت فعالیت دارد، در دو بخش عالی بودن در خدمات به مشتری و رشد سالانه و شرکت نرم افزار "کربری" در بخش بهترین شرکتهای جدید سال ۲۰۲۱ در کنار یک شرکت ربات سازی و یک شرکت تولید نوشیدنی های بدون شکر به فینال رسیدند. مجلس عوام انگلیس در نامه ای این موفقیت را تبریک گفت.

در قسمتی از این نامه آمده است:

"موفقیت رسیدن دو شرکت کر اند کررز و نرم افزارکربری در زمینه های عالی بودن در خدمات به مشتری، رشد سالانه و بهترین شرکت جدید سال را به شما و تیم تبریک می گوییم.

با توجه به بحران کرونا و دشواری های امسال این موفقیت ها بسیار پر اهمیت تر می باشند."

شرکت دکتر حسین شریفی در انگلیس جزو شرکتهای موفق در زمینه بهداشت است که حتی یک نفر از کارکنان و بیمارانش نیز کرونا نگرفتند، در حالی که در این مدت بیش از شصت هزار ویزیت انجام داده است.



رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان بوشهر:

ضرورت رعایت پروتکل های بهداشتی در سالن‌های امتحانی

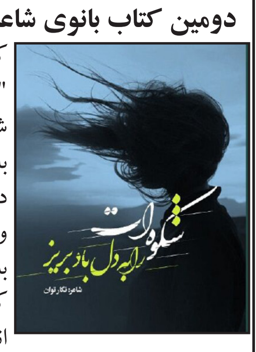
رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان بوشهر گفت: واکسیناسیون افراد ۸۰ - ۷۵ سال در این استان شروع شده که منتظر رسیدن محموله جدید واکسن هستیم که تمامی شهرستان‌ها را پوشش دهیم.

به گزارش ایرنا، کشمیری بیان کرد: اگر واکسن موجود باشد در عرض یک تا دو هفته واکسیناسیون تمام افراد ۷۵ ساله به بالا در این استان انجام خواهد شد.

وی در ارتباط با برگزاری امتحانات نهایی دانش آموزان به صورت حضوری بیان کرد: بر اساس تمهیدات انجام شده و جلسات متعدد با آموزش و پرورش مهم‌ترین کار نظارت بر حوزه‌های امتحانی است که توسط همکاران در مرکز بهداشت انجام خواهد شد.

رئیس دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان بوشهر در مورد شرایط محل برگزاری آزمون افزود: سالن‌های امتحانی باید تهویه کافی و مناسب، درب و پنجره باز، سالن ضدعفونی شده و مواد ضدعفونی به اندازه کافی موجود باشد، جداسازی افراد مشکوک با تب سنجی انجام شود و امتحانات با هم تداخل نداشته باشند.

دومین کتاب بانوی شاعر دشتی منتشر شد



کتاب مجموعه اشعار "نگار توان" بانوی شاعر شهرستان دشتی با نام «شکوه ات را به دل باد بریز» منتشر و وارد بازار کتاب شد.

به گزارش ایرنا، این کتاب که توسط انتشارات مولفین طلایی تهران به چاپ رسیده شامل ۱۵ شعر در قالب غزل و ۱۸ شعر نیمایی و سپید است. کتاب شکوه ات را به دل باد بریز دومین اثر این شاعر بعد از مجموعه شعر «دیوان نگار» است و کتاب سوم این شاعر نیز در حال آماده سازی برای چاپ است.

نگار توان متولد ۱۳۷۳ روستای "درازی" و فوق لیسانس مدیریت مالی و مدرس دانشگاه است و در زمان حاضر عضو انجمن ادبی قلم تهران، فعال در روزنامه سراسری شاخه سبز، دارای مدرک رسمی گویندگی و فن بیان از رادیو ایلیا و خبر شهر تهران و دارای پروانه فعالیت از موسسه ترنم اندیشه روشن زیر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است.

روستای درازی شهرستان دشتی با ۲ هزار نفر جمعیت در ۹۰ کیلومتری جنوب بوشهر واقع است.

در سوگ فرشتگان افغان

دکتر عبدالرحیم مهرور



بخدا اگر که بهشتی است از آن این دختر کان معصومی است که هر کدام نقشه راهی برای آینده فلاکت بارشان ترسیم نموده بودند، نه آنهایی که داعیه تفکر داعشی دارند.

حال بخوانید از زبان مردی که خود راوی صحنه هولناک بمب گذاری بود:

"بعد از انفجار در پیش لیسه سید الشهدا، دیدم که عده ای زیاد از دختران مثل گل پر پر شده است.

آن چه که سخت تکانم داد این بود که دختری را دیدم که زخمی است و ساک کتاب هایش در آتش می سوزد، از من در خواست کمک کرد، من به این خیال بودم که شاید بگوید من را در شفا خانه ببیر یا زخم هایم را ببیند.

نه هرگز چنین نگفت. گفت: کاکا کاکا تو را خدا آتش ساکم را خاموش کن که کتاب هایم می سوزد؛ در حالی که آغشته در خون خود بود، خود را فراموش کرده بود و می گفت کاکا آتش ساکم را خاموش کن که کتاب هایم می سوزد، سخت تکانم داد؛ گفتم جان کاکا، کتاب تان را خیر است خودت مهم هستی، تو را باید به شفا خانه بی برم.

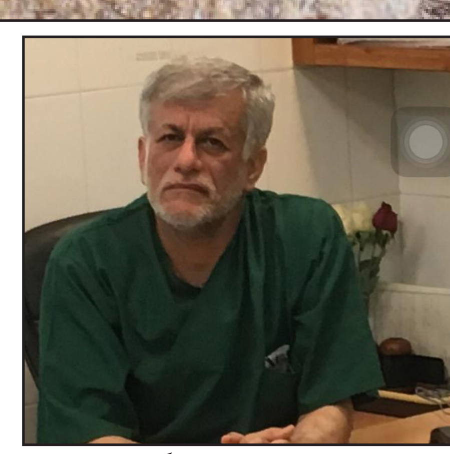
گفت: کاکا اول آتش کتاب هایم را خاموش کن، چون پدرم پول ندارد که دوباره برایم کتاب بخرد و من از درس هایم باز می مانم."

این مطلب سه پیام داشت:

۱- نقش استعمار در جهان.

۲- جهل و خرافات.

۳- فقر و فلاکت.



در جغرافیای ایران هستند همسایگانی که روزی باهم هموطن، همزبان، هم کیش و هم آیین بودیم از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب، تا این که اهریمنان امپریالیسم به سرکردگی پیر استعمار انگلیس ابتدا این جغرافیا را قطعه قطعه کرده و سپس از طریق آیین های خرافاتی با تشکیل گروه های انتحاری برای رسیدن به بهشتی موعود صف کشیدند.

اکنون افغانستان نمونه بارز خشونت برای رسیدن به این بهشت موعود که ساخته و پرداخته تعصب های قرون وسطایی است و امروزه شاهد خشن ترین قتل های کودکانی هستیم که تنها جرمشان دختر بودن و شیعه بودن است.

کدام دین و آیین گفته انبوهی از کودکانی معصوم و با آن فقر و فلاکت که به نان شب هم محتاجند این گونه با چندین بمب انتحاری تکه تکه شوند؟

منطقه آزاد فرصتی برای توسعه اقتصادی استان بوشهر است

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر گفت: مناطق آزاد با ظرفیت‌هایی که ایجاد می‌کنند می‌توانند سرمایه‌هایی خارجی و داخلی را جذب و اقتصاد را احیا و توسعه دهند.

به گزارش ایرنا، محمد تقی ایرانی در نشست شورای اطلاع رسانی استان بوشهر با موضوع نگاهی به منطقه آزاد تولیدی - صنعتی بوشهر افزود: دنیا امروز اقتصاد دولتی را نمی‌پذیرد به همین دلیل هیچ سرمایه‌گذار بخش خصوصی علاقه ندارد با دولت در این حوزه وارد معامله شود. براساس کارکردهای تعریف شده برای رونق سرمایه‌گذاری و جذب سرمایه‌ها، مناطق آزاد در بخش خصوصی و نه در بخش دولتی تعریف شده‌اند.

ایرانی با تاکید بر این که براساس اصل ۴۴ قانون اساسی اقتصاد دولتی به نفع بخش خصوصی باید آزادسازی شود گفت: در مقابل تحقق مطالبه ۷۰ ساله مردم استان بوشهر عده‌ای در فضای رسانه‌ای نسبت به این مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام که حاصل تلاش و پی‌گیری عده زیادی از مسئولان این استان است، هجوم می‌آورند.

وی اضافه کرد: وقتی فضای رسانه‌ای استان بوشهر گرانی زمین ومسکن را تنها ثمره تبدیل بخشی از این استان به منطقه آزاد اعلام می‌کند طبیعی است که حتی سرمایه‌گذاران داخلی نیز رغبتی نکنند در این جو روانی ضد امنیتی که برای اقتصاد ایجاد شده ورود کنند.

ایرانی با تاکید براینکه باید دست مافیای اقتصادی را در استان بوشهر قطع کرد، ادامه داد: شاید عده‌ای علاقمند به این هستند که اقتصاد استان بوشهر در انحصار آن ها بماند و تمایل نداشته باشند سرمایه‌گذاران موجهی از سراسر دنیا به این منطقه ورود کنند و موجب توسعه شوند.

معاون سیاسی، امنیتی و اجتماعی استاندار بوشهر گفت: اشتغال، ایجاد امکانات رفاهی، اقتصادی و ارتقای سهم زندگی مردم از جمله مزایای ایجاد مناطق آزاد به شمار می‌روند که باید مورد توجه قرار گیرد.

ایرانی یادآور شد: به طور معمول وقتی کار به نفع مردم و توسعه استان تعریف می‌شود عده‌ای علم مخالفت برمی‌دارند این درحالی است که هیچ کسی زیر بار توسعه نیافتگی نمی‌رود.

وی افزود: نباید تنها به کالای همراه ملوان که ممکن است سود آن برای عده‌ای بهتر باشد، اکتفا کرد.

ایرانی ادامه داد: سود ته لنجی و مافیایی که پشت آن نشسته برای عده‌ای بسیار ارزشمند است به همین دلیل افرادی که زندگی خود را از ته لنجی و چتربازی می‌گذرانند با ملی و مردمی شدن اقتصاد، صادرات و واردات و سرمایه گذاری خوب در این استان منافع آن ها در خطر قرار می گیرد.

نسیم جنوب
خبر
شماره ۹۵۸ سه شنبه ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۰
NASIM JANOUB

انتصاب مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر



به گزارش روابط عمومی اداره کل تامین اجتماعی استان بوشهر؛ طی حکمی از سوی مصطفی سالاری مدیر عامل سازمان تامین اجتماعی، عباس دیری سرپرست اداره کل تامین اجتماعی استان بوشهر به عنوان مدیرکل تامین اجتماعی این استان منصوب شد.

در حکم صادره از سوی مصطفی سالاری آمده است:

جناب آقای عباس دیری

سلام علیکم

نظر به تعهد، تخصص و تجارب ارزنده جنابعالی به موجب این حکم به عنوان مدیرکل تامین اجتماعی استان بوشهر منصوب می شوید. امیدوارم با توکل به خداوند متعال و در سایه عنایات ائمه معصومین علیهم السلام و رعایت جوانب شرعی و قانونی، امانت‌داری، مقررات مربوطه، توجه به منافع و مصالح سازمان، استفاده از تمام ظرفیت‌ها و سرمایه‌های انسانی متخصص و مجرب و همچنین اقدامات مبتنی بر برنامه ریزی و پایش عملکرد در راستای نیل به اهداف تعیین شده به ویژه اصول و سیاست‌های نظام جامع تأمین اجتماعی و صیانت از حقوق شرکای اجتماعی سازمان اعم از بیمه‌شدگان، بازنشستگان و کارفرمایان تلاش نمایید.

مصطفی سالاری

نامه ۷ هزار بازنشسته صندوق بازنشستگی کشوری به مسئولان استان و شهر بوشهر برای احداث خانه امید

ما بازنشستگان را می شناسید؟

ما بازنشستگان بوشهر، سرزمین نفت و گاز و پتروشیمی و دریاییم

ما بازنشستگان سرزمین عالمان، شاعران، نویسندگان، دریا دلانیم.

ما را می شناسید؟

روزگاری نه چندان دور کاغذ پاره‌ای به ما تقدیم کردند که بعد از چند عبارت دهن پر کن عبارت به "افتخار بازنشستگی شده‌اید" در آن دیده میشد. بر تریبونهادر مدح ما سخن می گفتند، اما از پاداش سی سال خدمت و از بیمه کارآمد و از رسیدگی به معیشت خبری نبود. کانون های بازنشستگی از سراسر کشور،برای هویت بخشی به بازنشستگان و رسمیت شناختن حقوق ضایع شده آنان با مکاتبات مستدل و نشست های مکرر و صدور قطع نامه ها به بیان ضرورت های معیشتی و بیدار کردن مسئولان پارلمانی و اجرایی پرداختند تا در سال ۹۹ منجر به نتایج ارزشمندی از جمله متناسب سازی حقوق بازنشستگان و شاغلان مشابه گردید.

قریب یک دهه است که نمایندگان جامعه بازنشستگی بوشهر برای احداث مجتمع فرهنگی - خانه امید - تلاش می کنند اما عدم همراهی و بی مهری مسئولان شهری و استانی نسبت به بازنشستگان سوال برانگیز است.

جناب آقای گراوند استاندار و نماینده اول دولت در استان:

۱ - در ۲۴ استان همتایان جنابعالی زمینه‌ای فراهم کرده‌اند تا با ورود صندوق بازنشستگی کشوری ۴۵ باب خانه امید به بهره‌برداری برسد و بدینوسیله جایگاه بازنشستگان را با اقدامات موثر و ارزشمند، محترم شمرده اند اما در بوشهر با کمال تاسف مصوبه جلسه مورخ ۱۱/ ۱۱/ ۸۶ هیئت دولت در مرکز استان مبنی بر احداث دو باب خانه امید که به وزارت رفاه و تامین اجتماعی آن روز ابلاغ شد (۱۸۸۲۳۷/۳۹۱۲۸- ۸۶/۱۱/۲۰) راتاکنون هیچ مسئولی مورد توجه قرار نداده است و علیرغم مکاتبات با جنابعالی و معاونان سیاسی و عمرانی استاندار نتیجه ای حاصل نگردیده است.

۲- شوربختانه مصوبه جلسه ۲۹ شهریور ۹۹ که با حضور معاون سیاسی امنیتی و نمایندگان شهرداری و صندوق بازنشستگی در دفتر معاون سیاسی به امضا حاضران رسید را نیز اجرا نکرده اید. طبق این مصوبه باید روز ۹ مهر ۹۹ برابر با روز سالمند با کلنگ زنی در پارک شغاب هدیه ای به بازنشستگان تقدیم می کردند.

۳- متاسفانه مصوبه جلسه ۱۱۵ شورای چهارم در سال ۹۳ که با شماره ش/۱۸۳۶- - ۹۳/۸/۱۸ به شهردار وقت ابلاغ گردید نیز به دلیلی که بر ما پوشیده است مورد تایید کارشناس حقوقی فرمانداری قرار نمی گیرد. شورای چهارم مجددا اصرار نامه ای را که تاکید استاندار وقت را نیز در برداشته به فرمانداری تقدیم می کند (اما بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداریها و تبصره یک ماده ۸ الحاقی مصوب سال ۱۳۴۵ که مفاد آن در سراسر کشور برای احداث خانه‌های امید مورد استفاده قرار گرفته است در بوشهر !!! از روی اشتباه یا شاید ... ، برداشتی دیگر از آن داشته و استفاده از این ماده قانونی را رد کردند. و عدم اجرای یکی از اسناد مثبته، ما را حیران و سرگردان کردند.

۴ - برای جلوگیری از احداث خانه امید، در چند ماه اخیر اقدامات عجیبی به عمل آمده است. ابتد رییس شورای شهر، نامه‌ای با تعدادی محدود امضاء مبنی بر مخالفت بازنشستگان بوشهر با احداث خانه‌ی امید در پارک شغاب به عنوان



درخواست شهر وندان بوشهری نشان دادند نامه ای که در اصالت آن تردید داریم. اگر بنابر تهیه طومار می باشد و شورای شهر بر اساس طومار به درخواست متقاضیان و شهروندان عمل می‌کند ما قادر به جمع‌آوری چندین هزار امضا هستیم. رئیس شورای شهر در مرحله بعد صحبت از کمبود فضای سبز می کند و پارک شغاب را مناسب نمی‌داند در صورتی که رییس شورا و شهردار مکان مورد نظر در پارک شغاب را خود به ما نشان دادند که فضای سبز وجود ندارد و لایحه شهرداری طبق در خواست رییس شورا به شورای شهر تقدیم شد و در کمیسیون عمران مورد تایید قرار گرفت اما توسط رئیس شورا اجازه طرح آن در صحن شورا داده نمی شود.

۵- در امتداد ایجاد موانع، استعلام سریع شورای شهر از میراث فرهنگی و پاسخ سریعتر میراث به رئیس شورا مبنی بر حاکمیت میراث بر کل پارک شغاب به مانع بعدی تبدیل می‌شود.

استاندار محترم

وقتی هتل بوم گردی، چرخ فلک خانه شطرنج، مرکز آموزش ترافیک، زمین چمن فوتبال، و... در پارک مذکور اجرا گردید میراث فرهنگی و دیگران چرا کوچکترین مخالفتی نکردند و طوماری تهیه نشد ؟ چرا میراث فرهنگی به استعلام مدیر استانی صندوق بازنشستگی کشوری که درخواست تعیین محدوده پلاک ۲۰۱۶ که در فهرست آثار ملی به عنوان محوطه تاریخی ثبت شده را با گذشت بیش از یک ماه نمی دهد اما در اسرع وقت و دو بار به استعلام رئیس شورا جواب می دهند که کل پارک شغاب را حریم آثار تاریخی می دانند. مگر صندوق بازنشستگی وابسته به وزارت رفاه نیست. این شیوه مدیریت بر تردیدها می افزاید.

لازم به ذکر است که قبل از ایجاد ابنیه های فوق الذکر در پارک شغاب کلنگ احداث خانه امید در پارک مذکور در سال ۹۳ با حضور مقامات کشور و استان به زمین زده شد و در آن ایام ایجاد هیچ‌کدام از ابنیه موجود در پارک در دستور کار نبود. در منطقه ای که همه شاهد کلنگ‌زنی احداث خانه‌ی امید بودیم هتل بوم گردی بنا می شود. شاید با "شوتروک ناهونته" پادشاه عیلامیان توافق شده است!!! و ایشان اجازه دادند که قبور امواتشان زیر چرخ فلک و هتل بوم گردی و... نابود شود و یا بهره برداران زورشان بیش از میراث فرهنگی بوده است.

جناب آقای گراوند از جنابعالی انتظار می رود در سالی که مانع زدایی بعنوان شعار سال انتخاب شده است و در راستای خدماتی که دولت در سال ۹۹ در رابطه با حقوق و معیشت بازنشستگان انجام داد جنابعالی نیز در روزهای پایانی کار دولت و در آستانه دو انتخاب مهم دستور فرمایید تا از پارک شغاب تا پارک سیادت قطعه زمینی را برای احداث خانه‌ی امید اختصاص دهند.

استاندار، فرماندار، رییس و اعضای شورا، شهردار، میراث فرهنگی همگی در مقابل بی حرمتی و نامهربانی به پیشکسوتان بوشهر مسؤل هستید. خانه امید متعلق به ۷۰۰۰ بازنشسته مشترک صندوق بازنشستگی کشوری و خانواده های بی سرپرست در شهر بوشهر است. لطف فرمایید به ۲۱۰۰۰۰سال خدمت و ایثار مجموعه پیشکسوتان بوشهر احترام گذارید.

مریزاد دستی که مر خستگان را/ دوای دل و راحت جان فرستد

محمد علی فقیه مدیرکانون بهزیستی

داود جعفری مدیر کانون جهاد

برزو هژبریان مدیر کانون راه و شهرسازی

محمود میالویی مدیر کانون شهرداری

محمد مهدی خوشابی مدیر کانون علوم پزشکی

علی دباش مدیر کانون آموزش و پرورش

عالی بازدار رییس شورای کانون‌های بازنشستگی کشوری استان بوشهر

جایزه بین‌المللی انجمن معماران نیروی دریایی به دانشجوی بوشهری رسید



معاون پژوهش و فناوری دانشگاه خلیج فارس گفت: دانش‌آموخته کارشناسی رشته مهندسی دریا دانشگاه خلیج فارس جایزه سالانه موسسه سلطنتی معماران نیروی دریایی(RINA) کشور انگلستان را دریافت کرد.

به گزارش ایرنا، روح‌الله فاتحی در این ارتباط افزود: این جایزه هر سال به مولفان با سن زیر ۳۵ سال که بهترین مقالات در حوزه شناورهای تندرو را به چاپ رسانده باشند، تعلق می گیرد.

وی اضافه کرد: ابوالفضل محمدی برای ارائه مقاله‌ای از پروژه کارشناسی خود در همکاری با سجاد حاجی‌زاده به عنوان استاد راهنما، درباره سنجش عملکرد نوع خاصی از شناور، موفق به دریافت این جایزه شد.

معاون پژوهش و فناوری دانشگاه خلیج فارس ادامه داد: مقاله این دانش‌آموخته ۲۴ ساله دانشگاه خلیج فارس در مجله بین‌المللی فناوری صنایع دستی کوچک (International Journal of Small Craft Technology, Part B) منتشر شده است.

واکسیناسیون ۴۰۰ نفر از پاکبانان بوشهری آغاز شد

مدیرعامل سازمان مدیریت پسماند شهرداری بوشهر گفت: واکسیناسیون ۴۰۰ نفر از پاکبانان، رانندگان و شاغلین بخش خدمات شهری پسماند این سازمان آغاز شد.

به گزارش ایرنا، مسعود غلامزاده در گفت و گو با خبرنگاران اظهارداشت: در مرحله نخست واکسیناسیون تاکنون بیش از یکصد نفر از جامعه هدف طرح موفق به دریافت دوز اول واکسن شدند.

وی بیان کرد: پاکبانان و عوامل وابسته به حوزه خدمات شهری پسماند، به دلیل ارتباط مستقیم با انواع زباله‌ها در معرض تهدید ابتلا به ویروس کرونا هستند که به عنوان یک اولویت و طی یک برنامه زمانبندی شده توسط دانشگاه علوم پزشکی بوشهر بر علیه این ویروس واکسینه می‌شوند. با برنامه‌ریزی‌های انجام شده در طی یک دوره زمانی مشخص همه پاکبانان بر علیه ویروس کرونا واکسینه می شوند.

چرا آموزش آنلاین؟

محمود حیدریه



با شیوع بیماری کرونا، مفهوم آموزش سنتی طی یک سال اخیر نیز کاملاً تغییر کرد. حضور فیزیکی در کلاس نه تنها دچار تغییر شد بلکه تمامی مسئولان آموزش را برای آینده دچار تردید نمود. در کلاس های آنلاین هر زمان و هر کجا بخواهید، به شرط دسترسی به رایانه، به یک آموزش با کیفیت دسترسی خواهید داشت. ما اکنون وارد دوره جدیدی شده ایم که می توان از آن به عنوان انقلاب آموزش آنلاین نام برد.

نیازی به حاشیه رفتن نیست چرا که درک مفهوم "پشت سر گذاشتن کلاس معمولی" بسیار دشوار است، به ویژه اگر قرار باشد با این فضای وسیع به نام اینترنت روبرو شوید.

طبق آخرین نظرسنجی از یک گروه تحقیقاتی در آمریکا بیش از ۳۰ درصد دانشجویان آموزش عالی در ایالات متحده حداقل یک دوره از راه دور را می گذرانند. آموزش آنلاین برای نوجوان و بزرگسال انتخاب منطقی است. به عنوان یک دانشجو، آموزش آنلاین می تواند یک روش مفید برای یادگیری علوم مختلف باشد.

اما آموزش آنلاین چه فوایدی می تواند داشته باشد.

۱–آموزش آنلاین انعطاف پذیر است. آموزش آنلاین استاد و دانشجو را قادر می سازد تا سرعت یادگیری خود را تعیین کنند و انعطاف پذیری بیشتری در تنظیم برنامه ای متناسب با دستور کار قرار دهند. در نتیجه، استفاده از یک بستر آموزشی آنلاین امکان تعادل بهتر کار و تحصیل را فراهم می کند، بنابراین نیازی به انصراف نیست. مطالعه آنلاین مهارت های مدیریت زمان را به شما می آموزد، که یافتن تعادل بین کار و مطالعه را آسان می کند. داشتن یک برنامه مشترک بین استاد و دانشجو نیز می تواند هر دو طرف را به پذیرش مسئولیت های جدید و استقلال بیشتر سوق دهد.

۲–حق انتخاب گسترده ای از برنامه ها و ایده ها را ارائه می دهد.

در فضایی به وسعت و گسترده اینترنت، مهارت ها و موضوعات بی نهایت برای آموزش و یادگیری وجود دارد. تعداد فزاینده ای از دانشگاه ها و مدارس آموزش عالی نسخه های آنلاین برنامه های خود را برای سطوح و رشته های مختلف ارائه می دهند. از موسیقی گرفته تا فیزیک کوانتوم، گزینه هایی برای هر دانشجویی وجود دارد. تحصیل آنلاین خود نیز گزینه خوبی برای گرفتن گواهینامه رسمی، دیپلم یا مدرک بدون پا گذاشتن فیزیکی به پردیس دانشگاه است.

۳–آموزش آنلاین قابل دسترسی است.

آموزش آنلاین به شما این امکان را فراهم می کند تا از هرجای دنیا بخوانید یا تدریس کنید. این بدان معناست که دیگر نیازی به رفت و آمد از یک مکان به مکان دیگر یا دنبال کردن یک برنامه سخت نیست. علاوه بر این ، نه تنها در وقت صرفه جویی می کنید، بلکه در هزینه نیز صرفه جویی می کنید، که می تواند برای سایر اولویت ها صرف شود. کلاس مجازی نیز در هر مکانی که به اینترنت متصل باشد در دسترس است مثلا اگر در خارج از کشور تحصیل می کنید و می خواهید شغلی پیدا کنید، آموزش آنلاین یک انتخاب عالی است. هیچ دلیلی وجود ندارد که هنگام کار در مکان های جدید و عجیب و غریب از کار یا تحصیل منصرف شوید.

۴–آموزش آنلاین تجربه یادگیری سفارشی را امکان پذیر می کند.

علاوه بر این که آموزش آنلاین می تواند به شما کمک کند تا سرعت مطالعه خود را تنظیم کنید، برای نیازهای فردی و سطح توانایی هر دانشجویی نیز انعطاف پذیر است.

کلاس های آنلاین کوچکتر از اندازه کلاس های معمولی هستند. بیشتر اوقات، سیستم عامل های یادگیری آنلاین هر بار فقط به یک دانشجو اجازه می دهند و تقریباً در همه موارد، این امر باعث تعامل بیشتر و بازخورد بیشتر بین شما و استاد راهنما می شود. اغلب به مطالب بسیار متنوعی مانند فیلم ها، عکس ها و کتابهای الکترونیکی به صورت آنلاین نیز دسترسی دارند و استادان همچنین می توانند قالب های دیگر مانند انجمن ها یا بحث ها را برای بهبود دروس خود ادغام کنند. و این محتوای اضافی هر لحظه از هر مکانی در دسترس است که آموزش پویاتر و سفارشی تری را به شما ارائه می دهد.

۵–آموزش آنلاین مقرون به صرفه تر از آموزش سنتی است.

برخلاف روش های آموزش حضوری، طرفداران آموزش آنلاین امروزه رو به افزایش است. اغلب گزینه های مختلفی از پرداخت به شما می دهد از قبیل امکان پرداخت اقساطی کلاس. این امر امکان مدیریت بهتر بودجه را نیز فراهم می کند. همچنین ممکن است بسیاری از شما مشمول تخفیف یا بورسیه شوید، بنابراین قیمت به ندرت بالا است. همچنین می توانید از طریق رفت و آمد و مواد کلاس که اغلب به صورت رایگان در دسترس هستند پس انداز کنید. به عبارت دیگر، سرمایه گذاری پولی کمتر است، اما نتایج می تواند بهتر از گزینه های دیگر باشد.

سخن آخر این که۹۰ درصد دانش آموزان و دانشجویان در آمریکا امروز فکر می کنند یادگیری آنلاین همان تجربه کلاس سنتی است یا شاید هم بهتر. هر دانش آموز و دانشجو باید وضعیت منحصر به فرد خود را ارزیابی کند و با توجه به نیازها و اهداف خود تصمیم بگیرد، و گرچه این گزینه جایگزین آموزش سنتی برای همه مناسب نیست، اما همچنان یک گزینه مناسب با گزینه های تقریباً بی پایان برای دانشجویان بین المللی در سراسر جهان است.

و نهایتا این که اگر چه کرونا ما را از هم دور کرده است لکن شاید عنوان انقلاب آموزش های آنلاین را در تمامی حوزه های آموزش شاهد باشیم.

۲ درخت کهنسال استان بوشهر ثبت ملی شد

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: در اجرای موضوع ثبت میراث طبیعی ارزشمند در فهرست آثار ملی ۲ اصله درخت کهنسال "لیل نای‌بند" در شهرستان عسلویه این استان ثبت ملی شد.

محمد حسین ارسطوزاده در گفت وگو با ایرنا افزود: براین اساس درختان کهنسال لیل نای‌بند ۳ و ۴ واقع در روستای هاله بخش چاه مبارک عسلویه پس از تشریفات قانونی لازم به شماره ۸۲۱ و ۸۲۲ در فهرست میراث طبیعی ملی کشور به ثبت رسید.

وی بیان کرد: درخت لیل نای‌بند ۳ به طول ۱۲متر و درخت لیل نای‌بند ۴ به طول ۱۱.۳ متر از گونه درختان جنگل‌های حرا است و مقاوم در برابر رطوبت هستند که دارای قدمت ۲۰۰ تا ۲۵۰ سال است.

مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان بوشهر گفت: براین اساس مراتب ثبت ملی درخت کهنسال لیل نای‌بند از سوی وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی کشور به استاندار بوشهر ابلاغ شد.

ارسطوزاده گفت: در این ارتباط ضمن رعایت حقوق مالکانه، این اثر تحت نظارت و حمایت این وزارتخانه است و تدوین ضوابط حفاظتی و تعیین عرصه و حریم آن برعهده وزارتخانه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری است و هرگونه دخل و تصرف و یا اقدام و عملیاتی که منجر به تخریب یا تغییر در اصالت اثر شود ممنوع است.

پارک شغاب یا خانه امید

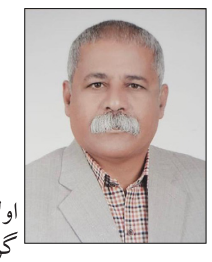
اکبر نهاری - فرهنگی بازنشسته

در شماره ۹۵۴ نشریه وزین نسیم مطلبی از دوست ارجمند و بازنشسته ام، جناب آقای محبوبی، دیدم که بر خود لازم دانستم، نوشته زیر را در پاسخ به مطلب آن دوست فرهیخته به رشته تحریر درآورم.
دوست گرامی ام نوشته خود را با عنوان (پارک شغاب یا خانه امید) آغاز کرده است و من این طور برداشت کردم که نویسنده می خواهد با این عنوان نفی احداث خانه امید در پارک شغاب نماید.
دوست گرامی، شما در بخش اول نوشتاران مرقوم فرموده اید که طبق گزارش های داده شده،کارآیی ارزشمندی از خروجی خانه های امید بیان نشده است و با این استدلال خواسته اید بگویید که این موسسه ها عدمشان به ز وجود، اگر این طور است خیلی از نهادها و بنیادهای فرهنگی وجود دارند که کارآیی چندانی ندارند پس نباید وجود داشته باشند، مثلا آیا می توان ادعا کرد چون در خیلی از مناطق، اعضای شوراهای شهر نه تنها عملکرد مثبتی نداشته اند، بلکه بر خلاف اهداف شورا حرکت کرده اند، پس این پارلمان شهری و این نهاد مردمی که یکی از جلوه های مردم سالاری است نباید شکل گیرد.
خانه های امید با اهداف تلاش برای ارتقای نشاط و امید در زندگی بازنشستگان، ایجاد تعامل و همبستگی بین بازنشستگان دستگاه های مختلف و جلب مشارکت آنها، برقراری ارتباط با دستگاه های اجرایی، برگزاری دوره های آموزشی، فرهنگی، ورزشی، تفریحی و ...، دیدار بازنشستگان با یکدیگر به منظور تبادل تجربه ها و ... احداث گردیده، آیا اگر این اهداف محقق گردد کار کوچکی است؟ همکار ارجمند به مصداق ((شرف المکان بالمکین)) این ما هستیم که می توانیم به خانه های امید کارآیی لازم را ببخشیم، اگر با هم باشیم نه بر هم.
همکار گرامی شما در مورد اهداف و امکانات خانه امید دچار اشتباه شده اید، خانه های امید با این هدف احداث نگردیده است و اصلا امکانات هتلینگ و اسکان ندارد که همکاری بخواهد در آن اقامت کند، جهت اطلاع شما باید عرض کنم که در خانه های امیدبخش های مختلفی همچون خدمات مشاوره ای خانه سلامت، مرکز ادبی،کافی نت،کافی شاپ سالن ورزشی، مرکز فعالیت های قرآنی و...وجود دارد که هدف هر بخش مشخص شده است.
همکار گرامی، شما در بخش دیگری از نوشته تان برای مخالفت با احداث خانه امید در پارک شغاب حفظ حریم ۶۰ متری دریا را بهانه کرده اید، بیایید از پارک باسیدون تا پارک شغاب با هم قدمی بزنیم،آیا مجتمع (تیو) که بر روی تل عاشقون احداث گردید و بعد شهرداری با پرداخت هزینه های گزاف آن را تخریب کرد، حریم ۶۰ متری دریا را رعایت کرده بود؟ رستوران های سیاف و رافائل و ساختمان شرکت ملی نفتکش چطور؟ چرا زمانی که این ابنیه در فاصله ۶۰ متری که نه، در فاصله ۶ سانتی متری دریا بنا گردید کسی، من جمله شما فریاد (وا حریما)بر نیاوردید؟
فرهیخته گرامی، شما نوشته تان را این سوال پایان برده اید که آیا ما خانه امید را می خواهیم یا تخریب و نابودی هویت و فرهنگ خویش در پارک شغاب و با این سوال خواسته اید بگویید که احداث خانه امید مساوی است با تخریب آثار باستانی و میراث فرهنگی، ویا کسانی که خواستار بنای خانه امید در پارک شغاب هستند ضد میراث فرهنگی هستند وبه نظرم اگر مسئله احداث خانه امید ادامه پیدا کند، این خانه مقصر تخریب تمام میراث فرهنگی و آثار باستانی شهر شناخته شود.
دوست گرامی، شما و تمام کسانی که دغدغه حفظ میراث فرهنگی را دارید چرا زمانی که عمارت ارزشمند وعظیم (دریابیگی)خراب شد و به جای آن مجتمع فرهنگی - هنری ارشاد احداث گردید، فریاد (وا میراثا) بر نیاوردید؟ چرا زمانی که در همین پارک شغاب هتل بوم گردی و خانه شطرنج بنا گردید، فریاد(وا میراثا) سر ندادید؟ چرا زمانی که چرخ فلک سر بر آسمان این پارک سایید، اعتراضی نکردید؟ یا شاید آن زمان مصلحت نبود و الان زمان فریاد (وا میراثا) فرا رسیده است؟ شاید از این که نهاد مقتدر و زور گویی چون سازمان بازنشستگی!!؟؟ می خواهد تیری به قلب میراث فرهنگی بزند، شما را به فریاد وا داشته است؟همکار گرامی، شما که خود جزو قشر بازنشسته هستید و از ستمی که بر این قشر روا داشته شده است، خبر دارید چرا این گونه به قضاوت نشسته اید؟ از آن هایی که نمی دانند و سنگ می زنند و سنگ می اندازند،گله ای نیست، شما که می دانید چرا سنگ می اندازید و سنگ می زنید؟
شما در بخشی از نوشته تان بیان کرده اید که میراث فرهنگی با مستندات قانونی پارک شغاب را ملک طلق خود دانسته است و طی نامه ای با هشدار قضایی به رئیس شورا حجت را تمام کرده است با این ادعا خواسته اید بگویید که احداث خانه امید در ملک میراث فرهنگی به طور کلی منتفی است، اگر این ادعا صحت داشته باشد و اگر این طور است که شما فرموده اید، پس مالکیت شهرداری بر این پارک منتفی است و همین امروز و فردا میراث می تواند دور این پارک فنس کشی کند و آن را به مالکیت خود درآورد، همکار و همراه عزیز این چه ادعایی است که بیان می کنید، مگر برای مردم این شهر جز این پارک جایی هم برای تفریح مانده است که شما می خواهید آن هم از مردم گرفته شود.
طبق همان نامه ادعایی شما، خود میراث فرهنگی حریم سایت ۲۰۱۶ را حوزه میراث فرهنگی می داند و این مطلب مورد تایید رئیس مرکز بوشهرشناسی که خود از عاشقان و حافظان و حامیان حفظ میراث فرهنگی است، می باشد و زمینی که قرار است به ساخت خانه اختصاص یابد، خارج از این سایت می باشد.
دوست عزیز، شما در سرتاسر این نوشته خواسته اید ثابت کنید که ادعای خواهندگان خانه امید هیچ جنبه قانونی ندارد اما از شورا نخواسته اید که حداقل این مصوبه غیر قانونی را در صحن بیاورد تا اعضای شورا آن را رد کنند و همه چیز ختم به خیر شود.

به انحراف کشیده شدن ساخت خانه امید در بوشهر

پاسخی به مطلب "شاید فکر می کنند فرهیختگان بازنشسته بوشهر جایگاهی ندارند؟" از عالی بازدار

محمد محبوبی



اولاً: حضور برادر و سرور گرامی عارضم که حضرتعالی اصلاً محتویات مقاله اول بنده را متوجه نشده اید، جز این که؛ مستقیماً، بحث عقده گشایی با رئیس محترم و فعلی شورای اسلامی شهر بوشهر را مطرح کرده به اختلاف دیرینه خود با نامبرده پرداخته اید که جای تعجب از تفکر و اندیشه و عدم اطلاع جنابعالی از پاسخ دادن به نظر دیگران را نماد می کند و از حرمت قلم گذشته اید.
ثانیاً: در ادامه خطاب به بنده مرقوم داشته اید که: "همکار ارجمند، حال که به دفاع از لغو مصوبه شورای شهر و همراهی با رئیس جدید شورا به امر دشوار قضاوت پرداخته اید و دست به قلم شده اید، بهتر بود که اشراف کامل بر ماجرای احداث (خانه امید) بازنشستگان در بندر بوشهر به دفاع از لغو مصوبه شورای چهارم می پرداختید. این حداقل انتظار ما از معلم فرهیخته ای است که خود بازنشسته است".
پاسخ نگارنده منتقد: لازم به ذکر است که، هنگام بدست گرفتن قلم، باید بسیاری از شرایط و حرمت قلم را رعایت کرد. برادر عزیز، در متن فوق، خودتان متوجه شده اید که چه فرموده اید؟ گویا مقاله بنده را نخوانده اید، زیرا، آنگونه که شما برداشت کرده اید در مطالب بنده نبوده و نیست. از طرفی ، مزید اطلاع جنابعالی این که: خود واقفید که با عنایات پروردگار قلم به دست من خو گرفته است و امروز و به تازگی قلم بدست نشده ام. برادر عزیز، چرا مطلبی را که متوجه نشده اید و مواردی که در مقاله بنده نیست، خود نویسی کرده اید؟ خدمت شما توضیح عرض کنم که بنده در آن مقاله فقط در مورد نامه ها و اقدامات شورای چهارم بحث کرده مسیر و گردش کار درخواست شورای محترم چهارم به اداره کل میراث فرهنگی با امضای برادر عزیزمان عبدالخالق برزگرزاده رئیس وقت شورا با مشخصات کامل و سپس پاسخ بازگشتی به نامه مذکور را نیز در مقاله مندرج نمودهَ که موجود است. بزرگوار، شما چگونه این نامه ها را ندیده اید و مواردی که در مقاله من نیامده برای افکار عمومی فرافکنی کرده خود عزیزی را توشه راه بیراهه خویش ساخته اید؟
دوست عزیز، شورای پنجم ، مصوبه ای در خصوص "خانه امید" و پارک شغاب نداشته است که بنده در مقام لغو آن برآیم . بنابراین ؛ لازم است بدانید، مصوبه مربوط به شورای چهارم است که در موردش ، تبیین و تفسیر لازم گذشت. برادر عزیز و محترم، بنده اطلاع و اشراف کامل بر ماجرای احداث خانه های امید در کشور را دارم. آگاه باشید که شماها با این رفتارهای قانون گریز و خود محور و بدون اطلاع از قوانین حاکم بر شهر بوشهر ، کاری را پیش گرفته اید که هم به ضرر شخصیت فردی خودتان و هم راه رسیدن بازنشستگان به حق و حقوقشان را بسیار دشوارخواهید ساخت. شما هیچ حرف و سخن و قانون و نامه ای را از هیچ مسؤل شهری پذیرا نیستید و از نظر شما مرغ یک پا دارد و عقل کل این شهر شمائید و بس. برادر بزرگوار، این تفکر دراین راه به مقصد نخواهد نشست. قوانین شهری را تمکین بفرمائید که زر اندود عقل است.
جنابِ بازدار، در پاسخ به بند ۱ مطالب شما عارضم که: اتفاقاً، بنده در مقاله مطمح نظر، موضوع خانه های امید را از سال ۱۳۶۸ که در قالب خانه های مهر بازنشستگان و بعد از آن به خانه های امید تغییر نام داده اند، آن هم با احداث ۴۳ خانه امید که توسط صندوق بازنشستگی کشوری به انجام رسیده را بیان کردم و در این زمینه تا سال ۱۳۹۶ نیز اطلاعاتی به سمع و نظر مخاطبین قرار داده ام. البته میدانم، چون در حال و هوای حمله و انتقام از رئیس محترم شورای پنجم (جناب آقای داریوش پوربهی) بوده اید و هستید ، چشم بر حقایق نوشته های بنده بسته داشتید و بر اریکه انصاف خود خط کشیده اید.
برادر عزیز!! بنده در مقاله اول نوشته ام که ؛ در خدمت رسانی به بازنشستگان، طرح موضوع چنین پروژه ای اندیشه ای است، بسیار ارزشمند و ضروری و از اوجب واجبات است. جناب بازدار، چگونه معانی واژه ها را نیافته اید و چشم بر معنای آن ها نگشوده اید؟ و به چه درک و معنایی رسیده اید که مرقوم فرموده اید: شاید فکر می کنند فرهیختگان بازنشسته بوشهر جایگاهی ندارند؟ خوانندگان محترم نسیم جنوب، با توصیف مقاله دوم من با عنوان: خانه امید مأمن بازنشستگان است، خود به قضاوت خواهند نشست. با تاسف، در تفهیم معانی مطالب مقاله اول حقیر با مشکل برخورده اید و با چنین نوشته ای به خود زنی دست یازیده اید.
از طرفی، با تأکید مجدد بر این که: در مقاله صدرالذکر، بنده ضمن تأیید و ضرورت ساخت خانه امید، روالِ گردش کارِ نامه ها و در خواستهای شورای چهارم درِ سیستم اداریِ و پاسخ های گرفته شده را با تحلیلی عینی متذکر شده ام.
برادر محترم، همه آن نامه ها و گردش کار اداری و تبیین و تفسیر قوانین و محدودیت های حاکم بر قسمت غربی شهر بوشهر که مطرح کرده بودم، چرا، از دید شما پنهان مانده اند و به دور از انصاف و با پدیده ای خود عزیزنگری در ادامه انتقام جویی از رئیس شورای شهر و حمله به بنده نوشته اید که: "شاید فکر می کنند فرهیختگان بازنشسته بوشهر جایگاهی ندارند؟"
در پاسخ به بند ۲ مطلب حضرتعالی باید عارض شوم که: بنده در آن مقاله، خطاب به خود و همکاران محترم بازنشسته پرسیده ام، آیا تاکنون، احیاناً در مسافرتها به استانهای دارای خانه امید، از امکانات چنین خانه های امیدی بهره مند شده اید و استفاده کرده اید؟ قطعاً پاسخ منفی خواهد بود.
امّا حاصل و محصول بند ۳ مطلب جنابعالی، که فرموده اید : "آیا خبر دارید که در تمام نقاط کشور بر اساس بند ۶ ماده ۵۵ قانون شهرداریها ، مصوب ۱۳۴۵، شهرداری در این قبیل موارد، با تصویب انجمن شهر یا شورای شهر امروز، از اراضی و ابنیه متعلق به خود با حفظ مالکیت به رایگان و با شرایط معیّن به منظور ساختمان و استفاده در اختیار مؤسسات متقاضی خواهد گذاشت؟"
در این جا چنان وانمود کرده اید که گویا متولی صندوق های بازنشستگی شما هستید و زمین هم به شما خواهند داد و خانه امید را ملک طلق خود می دانید. ولی مزید اطلاع؛ صندوق بازنشستگی زیر نظر مستقیم وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی است و نماینده حقوقی بازنشستگان استان نیز صندوق بازنشستگی استان می باشد. جایگاه شما در این گردونه کجاست؟ مسؤلیت یک وزارتخانه و نماینده حقوقی آن در استان، چه ربطی به مداخله و یک دندگی و مرغِ یک پای شما دارد؟
جناب بازدار، من به دقت و صحت کامل خبر و اشراف بر قانون مذکور را دارم. لکن، شمای بزرگوار، قانون را فقط نوشته اید امّا متوجه بُرد و اثر و ارزش و اعتبار قانونِ مزبور در انجام کار مورد نظر نشده اید:
اولا: شهرداری طبق قوانین موجود خود، قادر به واگذاری یا دادن تملک زمین یا ساختمانی متعلق به خود به ادارات دولتی را ندارد و فقط در اختیار می گذارد. در اختیار گذاشتن بدین معناست که مالکیتی به اداره یا نهاد متقاضی نخواهد داد. در این حالت، هزینه کرد چهار تا پنج میلیارد تومان در این زمین بنفع کیست؟ چه سودی برای وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی که متولی صندوق بازنشستگی کشوری است دارد؟ بنابراین، نهَاد مُشعِر با چنین شرایطی تقبل هزینه نمی کند. مبرهن است که واژه "در اختیار" را به درک حقوقی نرسیده اید. ثانیا: شهرداری با تمام محدودیت های قانونی خویش، باید در مکان مورد تقاضا، زمین متعلق به خود داشته باشد تا حداقل در اختیار بگذارد و نه واگذار کند. در صورت عدم موجودیت زمین، سرنوشت قانون مورد استناد شما چه می شود؟ پارک شغاب ملک شهرداری بوشهر است؟
شایان ذکر است: غیر از نوار ساحلی غربی شهر که دریا حریم و حرمت دارد، در ناحیه شرقی شهر، بلوار امام علی شهرک گردشگری که در حال توسعه وسیع با احداث هتل هفت ستاره و فروشگاه هایپر استار و ... می باشد فعَلاً زمین موجود است و متولّیان شهر باید تعیین تکلیف کنند. در ادامه مرقوم داشته اید که: "تنها مکان پاسخگوی مجموعه فرهنگی پارک شغاب است، تصمیم گیران شهر، ما را به پارکهای محلی هدایت می کنند، فضای سبز بیش از خانه امید اهمیت دارد، حفظ آثار تاریخی باستانی برای ما اهمیت فراوان دارد و..."
جناب بازدار، در این بخش از فرمایشات شما، پارادوکس در پادوکس مشهود است. زیرا، پارک تاریخی شغاب را برای خانه امید طلب کرده اید و اعلام داشته اید که برای ما حفظ آثار تاریخی باستانی اهمیت دارد، یعنی چه؟ اگر آثار تاریخی باستانی اهمیت دارد، چرا نظر هیچ مسؤلی را پذیرا نیستید و پارک شغاب را رها نمی کنید تا در جای مناسب دیگر موضوع متمرکز شود؟ از طرفی؛ بیان کردید تصمیم گیران شهر، ما را به پارکهای کوچک محلی هدایت می کنند و ... برادر عزیز، افرادی که مجوز تصمیم گیری بر شهر را دارند، سر خود و با زور نیامده اند تا چنین اقدام کنند. حتماً بر اساس ملاک و معیارها و صلاحیت ها و قابلیت ها و رعایت قوانین موجود، برچنین مسؤلیتی حاکم شده اند، چرا شما تصمیمات قانونی آنها را تمکین نمی کنید؟
برادر عزیز، سکوت منِ بازنشسته از سَرِ بی اطلاعی نیست، که از حجب و حَیا و شرافت معلمَی است، اما، شما کارد را به استخوان رسانده اید. برای بنده به عنوان عضو رسمی کانون این حق محفوظ است که بپرسم و بدانم و بر احقاق حق خویش کسب اطلاع نمایم.
به همین منوال، جای سؤال و محاسبه ای سر انگشتی از شما واجب عینی و به جاست که: مثلاً و فرضاً، کانون مورد نظر، اگر تعداد دو هزار (شاید بیشتر) عضو داشته باشد، و از هر عضو به طور میانگین و حداقل بیست هزار تومان در ماه (از بعضی بیشتر) از حقوق آن ها کسر و به حساب کانون واریز می شود، با یک محاسبه رندومی، سالانه مبلغ چهارصد و هشتاد میلیون تومان از حقوق بازنشستگان کسر و به حساب کانون واریز می شود.
برای حقیر مشخص کنید، سود این پولهای درون بانکی چگونه هزینه می شوند؟ در صورتی که منِ بازنشسته هیچ گونه سهمی در او ندارم. از سال ۱۳۶۵ تاکنون چه مبالغ سنگینی به حساب کانون واریز شده است؟ حسابرسی این سرمایه چگونه صورت می گیرد؟ بنده ذینفع که اطلاعی نداشته از سهمی نیز برخوردار نیستم.
آیا، این امور ، ضایع کردن حق بازنشسته ای که با هزار مشکل و معضلات زندگی خویش دست به گریبان است نیست؟ هنگام گرفتن وام از کانون نیز با کم کردن کار مزد و مقروض شدن بازنشسته و پرداخت اقساط هم هیچ کمکی شامل بازنشسته نمی شود.
القصه: همه مشکلات بازنشسته که اصل است و باید حل شوند به کنار گذاشته اید و با عَلَم کردن خانه امید و کنار نیامدن با هیچ نظر و پیشنهادی از مسؤلین، حاشیه سازی نموده همه مسیر های اصلی را با دست گذاشتن بر پارک شغابِ ناشدنی بر اجرای پروژه خانه امید را بسته اید و انحرَاف تفکر ایجاد نموده اید. با اطمینان، خانه امید را مسؤلین و نمایندگان حقوقی بازنشستگان در استان خواهند ساخت. زیرا شما دوستان عزیز از قدرت اجرایی لازم برخوردار نیستید و بر قوانین نیز تمکین ندارید تا هدف به سر منزل مقصود نائل آید .
با این دیدگاه که؛ مرغ فقط یک پا دارد، نتیجه به ضرر بازنشستگان ختم خواهد شد. مع ذالک، با احترام از این پروژه کنار بکشید و کار را به اهلش بسپارید.

خوشبینی چیست و چگونه آن را تقویت کنیم ؟

دکتر عبدالصالح خزائی

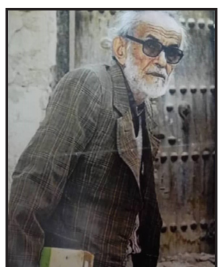


خوش بینی و مثبت اندیشی از جمله آیتم های فردی است که می تواند تاثیرات مثبت متعددی در زندگی و بهداشت روان فرد داشته باشد.
خوش بینی نگرشی مثبت به جهان پیرامون است و فرد خوش بین با چنین نگرشی در تلاش است که دنیا را به صورت زیبا و مطلوب تر پندارد و همچنین بخش ها و وجوه مثبت قضایای زندگی را مشاهده و امید به آن داشته باشد که جهان به سمت و سوی خوبی و خیر در جریان است.
خوش بینی و مثبت اندیشی یک عقیده است مبنی بر اینکه اعمال خوب اتفاق خواهد افتاد و اتفاقات بد، فقط حوادث گذرایی هستند که باعث عقب نشینی و کندی اعمال خواهند شد ولی دیر یا زود قابل حل خواهند بود.
خوش بین ها سعی می کنند به دنبال نتیجه مثبت در شکست ها، ناکامی ها و حوادث ناگوار باشند. این موارد را شاید ما در اطرافمان دیده باشیم که کسانی بوده اند که به بیماری های صعب العلاج مانند سرطان مبتلا بودند اما با نگرش مثبت و امیدواری به آینده با این بیماری دست و پنجه نرم کرده اند و در نهایت بر این بیماری فائق گردیدند و همچنین عکس این موضوع هم طی پژوهش های متعدد نشان داده است که افراد بدبین، درصد مرگ و میر و یا شکست های بالا تری نسبت به افراد خوش بین در جامعه دارند.
افراد خوش بین به راحتی تسلیم نمی شوند و شکست را نمی پذیرند بلکه به جای تسلیم شدن در برابر با موانع و محدودیت های زندگی، با تمام توان و با تفکر و نگرش مثبت به مشکلات و موانع حمله ور می شوند و گزینه های متعدد حل آن را پیگیری می کنند.
علیرغم این که تحقیقات علمی نشان داده است که خوشبین بودن وراثتی است اما نباید نقش تربیت و محیط را نادیده گرفت. نحوه تربیت و موقعیت رشد انسان ها عامل تعیین‌کننده ای برای ایجاد شخصیت خوشبین و امیدوار است.
طی مداخله های مشاوره ای و درمانی با مراجعین مراکز مشاوره و روانشناسی؛ در بررسی از کیس های اختلالات خلقی و اضطرابی و همچنین خانواده های آشفته و در معرض طلاق آن چه مبرهن است عدم خوش بینی، مثبت اندیشی و عدم انگیزه و پشتکار برای رویارویی با مشکلات فردی و زندگی است و یا اینکه افراد ممکن است در یک تصمیم و یا تجربه نتیجه دلخواه را کسب نکرده باشند و از آزمودن دیگر مسیر ها جهت حل مشکل ناامید و مایوس شده اند. طی درمانهای شناختی (تغییر فرایند های فکری) که ممکن است بیش از ده جلسه به طول انجامد، یکی از تکنیک های درمان شناختی آموزش خوش بینی به مراجعان است و پس از آموزش های لازم این توانایی را پیدا می کنند که به طور موثرتری با مشکلات زندگی روبرو شوند. زیرا خوش بینی یکی از مولفه های شاد بودن در زندگی است. امروزه در جذب و گزینش افراد در شرکت ها و موسسات مولفه خوش بینی و مثبت اندیشی مدنظر گزینشگران می باشد چرا که به نظر می‌رسد بازدهی و نتایج مثبت به دنبال داشته باشد. در باب اهمیت موضوع اینکه «سلیگمن» از روانشناسان برجسته به منظور دستاوردهای بیشتر افراد خوشبین، تیم های ورزشی را مورد تجربه و تحلیل قرار داد و دریافت تیم های خوش بین تر، هم افزایی مثبت بیشتری ایجاد می کنند و عملکرد بهتری نسبت به تیم های بدبین دارند.
در پایان لازم است چند راهکار ایجاد خوش بینی به منظور برخورداری بهتر از سلامت روانی هیجانی و داشتن عملکرد بهتر در زندگی اشاره کرد:
- به دنبال جنبه های مثبت زندگی باشید؛ نیمه پر لیوان را ببینید نه این که فکر کاستی ها در زندگی باشید. با افراد مثبت ارتباط داشته باشید و مثبت عمل کنید تا نتایج مثبت و خوب از زندگی دریافت کنید.
- شاد باشید؛ فعالیت های مفرح و لذت بخش مانند ورزش انجام دهید.
- عدم مقایسه خود با دیگران؛ مقایسه کردن خود با دیگران باعث خود کم بینی و ضعف می شود. خودتان را با خودتان مقایسه کنید و ارزیابی کنید که چقدر پیشرفت داشته اید.
- داشتن هدف در زندگی: برای آینده خود هدف گذاری کنید. هدف گذاری معنی و مفهوم جدیدی به زندگی شما می دهد. برای رسیدن به اهداف بلند مدت، آن ها را به هدف های کوتاه مدت، دست یافتنی و منطقی تقسیم کنید.
- قدر شناسی و شکر گزاری؛ افراد خوش بین سپاسگزار و شکرگزار نعمت ها و برکت های زندگی شان هستند و قدر داشته هایشان را می دانند و قانع هستند.
- تجربه آموزی از شکست ها؛ کسب تجربه از شکست ها سکویی برای پرش به سمت موفقیت بزرگ تر است. نباید از شکست یا عدم موفقیت نگران و ناراحت شویم بلکه باید از آن ها درس بگیریم.
- مهارت آموزی؛ مهارتهای جدید فرد را توانمند تر و به طبع آن زاویه دید وسیع تر می شود. برنامه های کوتاه و بلند مدت برای آموزش و مهارت آموزی برای خودتان ترسیم و عملی کنید.
- اصلاح سبک زندگی؛ گاهی لازم است برای رسیدن به خوش بینی و امیدواری سبک زندگی مان را تغییر دهیم این تغییر اعتماد به نفس بالاتری ایجاد می کند.

خاطرات شادروان عبدالرسول جمالی تنگستانی (۱۶)

مامور سرشماری سال ۳۲

به کوشش محمد علی بختیاری



زمان اصل ۴ ترومن سال ۳۲- ۳۳ یک هیاتی تشکیل دادند، رئیس جمهور امریکا برای سرشماری کشاورزی ایران. ما در دبیرستان سعادت درس خواندیم. مرحوم محمد دوانی معلممان بود یک نفر امریکایی بود. یک نفر از آمار شیراز بود، یک نفر از کشاورزی شیراز بود، یک مهندس فوق لیسانس خارجی بود. فرد آمریکایی کارشناس نفت بود. ردیاب بود. دستگاه داشت با چهار تا جیپ جنگی ژاندارمری. بعد از این که ما این جا کلاس تمام کردیم ۱۵ روز روانه کنگان کردند. کنگان (این ها حالا مخلوط میشه این جریان ها. همه اش مثل یکی است. مثل واضح است که من می گم. این ها خاطرات استان جنوب خاطرات خودم است برای این که شما ودیگران مطلع بشوید از گذشته های بوشهر. حتی گذشته های اوضاع و احوال مملکت. چه شکلی بوده چه کار می کردند چه می شده چه شده چطوری به این جا رسیدیم. این ها همه اش لازمه گفتار است.
به هر حال ما رفتیم کنگان، پست ما انداختند منطقه کنگان منطقه ۶ بنام منطقه شش. در سرشماری کشور کنگان منطقه شش محسوب شده بود. منطقه شش عبارت بود از سه تا بندر. تا حالا ممکن است این ها را خیلی ها نفهمند می گفتند بنادر ثلاث (سه گانه) این کلمه بنادر ثلاث از دیر زمان معروف بوده است. به معنی این که سه تا برادر از طایفه سنی شیخ سلیمان نصوری هم بخشدار کنگان است هم سرپرست قسمت منطقه. رئیس منطقه یه بندر دیگرش بنام آقای شیخ جبارن که تنبک باشه. یکی دیگر هم شیخ ناصر نصوری که طاهری باشه (بندر سیراف) به این بنادر ثلاث می گفتند. این سه تاش بندراست. اسم آوردن آدرس براش تمام مردم این منطقه زیر دست این ها هستند. موقعی که ما رفتیم آن جا برای سرشماری از کشاورزی. یکی از کسانی بودم که در این شغل پاداش گرفتم. تو این وظیفه هنوز کاغذش را دارم، اداره آمار به من داد. خواست مرا استخدام بکند ولی من وفاداری کردم و شهرداری را ول نکردم. تو شهرداری هم بودم اون موقع. خب رفتیم آن جا آقای شیخ سلیمان نصوری آمد و کمیسیون گرفت و ما هم روانه کرد. تو این جا تو آن جا تو این جا، به هر حال یک نامه ای داد به ما برای علامرودشت. علامرودشت الان جز حوزه شیراز است امکان دارد شده باشد. دشت کوه طی کنی جم گله دار و خود علامرودشت تا برسید به آن جا آن ولایت. حالا من بدبخت کرایه دارم یک عرب است و با یک الاغ حالا کاری که باید انجام بدهیم و کلاس برویم چه کار باید بکنیم که خودمان می دانیم چیکار باید بکنیم. دیگر لازم نیست شیخ سلیمان نصوری هم بهمان بگوید ولی حالا آن چون بخشدار است و رئیس منطقه است می تواند ما را قسمت کند. در مناطقی که مورد نظر خودش است یک حرفی یک صحبت هایی با من کرد دید من هم زبان دشتی واردیم هم زبان تنگسیری واردیم هم منطقمان خوب است. یک کرایه داری دادند تحویل یک عربی که بل فارسینی هم بلد بود. یک الاغ داشت. چند تا شیشه الکل یه پریموس کوچکی داشتیم یه خرده آرد خمیر کنیم بپزیم بخوریم گرمش کنیم. قحطی بود. هیچ چیز نبود. حالا خانه این ها که صبح ناشتا به ما دادند چه بود (خانه شیخ سلیمان نصوری حاکم آن جا بود. بخشدار بود) که حالا صبح می خواهیم صبحانه بخوریم ناشتا بخوریم چه می خواهیم بخوریم؟ خودمان هم نمی فهمیدیم چه می خواهیم بخوریم. گفتیم حالا یک نان و چایی میاورند می خوریم.
دیدیم یک سفره ای انداختند ما هیجده نفر و هشت نفر هم آن ها بودند. ۲۶نفر. سفره درازی انداختند از بلالیت از جنس همون ماکارونی ولی نازکتر. اینها شکری کرده بودند با عسل تو بشقاب جداگانه. جا تخم مرغی سفید این قدری تخم مرغ نیمرو داخلش. تخم مرغ نیمرو جداگانه. عسل، کره، بیسکویت های کالسکه ای خارجی اینقدر وسط. مربا، پنیر،اصلا سرتاسر سفره شاهانه. این خانه شیخ سلیمان نصوری بود. درب خانه اش مردم خرمای ریشمیزی گیرشان نمی آمد. این قدر تفاوت سطح بود که این ها فقط من می فهمیدم با این مغزم. این ها همه اش براساس برنامه ریزی نیست. می خوردند فقط ولی من همان جا که نشسته بودم این ها می خوردم تو فکر این ها بودم. خدا وکیلی می گفتم حالا ما این ها می خوریم بعد ما می رویم تو کوچه می بینیم یک پیرزنی بتونه هم زده، یه کاسه ای دستش است می گردد آب بهش بدهند. آب خالی بهش بدهند. می گردد کله خرما بهش خرمای ریشمیز زده آن جا می خورد. خرمایی که چهار سال پنج سال مانده. چون خرما اگر یک کمی بگذرد خرما نمی خورند. همچون میوه ای است. باید حتما تازه باشد. خوب ما حرکت کردیم. چون به فاصله این پست هایی که ما می خواستیم برویم آن زمان با هجوم سیل از این کوهستان های بسیار شیب دار تمام دره. پشت هر دره ای ما نیم ساعت یک ساعت معطل می شدیم که با اکیپ رد بشویم.

هفته نامه سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، ورزشی

نسیم جنوب

nasimjonoub.com

صاحب امتیاز: دکتر امیر خلف پور
مدیر مسئول و سردبیر: یونس قیصی زاده
نشانی: بوشهر، میدان قدس،
کوچه بوستان ۳۰ (جانباز)، دفتر نسیم جنوب
تلفن: ۰۷۷-۳۳۳۲۵۹۰۰ فاکس: ۳۳۳۲۸۵۱
تلفن همراه: ۰۹۱۷۷۷۲۳۹۰۹
ایمیل: info@nasimjonoub.com
صندوق پستی ۱۱۹۹
لیتوگرافی و چاپ: کارگر



جای خالی دادگاه قانون اساسی

رضا غبیشاوی



به دنبال بروز اختلاف میان ریاست جمهوری و شورای نگهبان بر سر شرایط کاندیداتوری ریاست جمهوری، جای دادگاه قانون اساسی بیش از پیش احساس می شود.

به دنبال این اختلاف، هر طرف بر نظر خود پافشاری می کند. از یک سو هیات های اجرایی (زیر نظر وزارت کشور) مدارک مورد نیاز برای ثبت نام داوطلبان را به مانند قبل می دانند و از سوی دیگر هیات های نظارت (زیرنظر شورای نگهبان) مدارک جدیدی طلب می کنند.

البته این که این رویارویی حقوقی / اجرایی به کجا ختم می شود دقیقا مشخص نیست اما آن چه که مشخص است این که این احتمال جدی وجود دارد که شورای نگهبان با استفاده از اختیار " تفسیر قانون اساسی" برنده این رویارویی باشد و این جاست که جای خالی وجود نهادی به نام دادگاه قانون اساسی بیش از پیش احساس می شود.

این دادگاه می تواند وظیفه ارائه تفسیر از قانون اساسی (به صورت متوالی و به روز) را برعهده داشته باشد و از این منظر به حل اختلافات حقوقی میان بخش های مختلف حکومت کمک کند.

منظور از تفسیر متوالی و به روز این است که می توان قانون اساسی را بیش از یک بار در مراحل زمانی مختلف و براساس شرایط و واقعیت های روز تفسیر کرد و البته تفسیر جدیدتر معتبرتر خواهد بود.

هم اکنون و براساس قانون اساسی، تفسیر قانون اساسی برعهده شورای نگهبان است اما این موضوع مشکل اساسی دارد و آن "تضاد منافع" است. شورای نگهبان وظیفه نظارت بر ۳ انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس و خبرگان را در دست دارد. علاوه بر این خود باید مصوبات مجلس را در زمینه انطباق با قانون اساسی و دین اسلام بررسی کند.

در نتیجه میان تفسیر قانون اساسی از یک سو و وظایف نظارتی شورای نگهبان بر ۳ انتخابات و بررسی مصوبات مجلس از سوی دیگر تضاد منافع به وجود می آید. هر جا اختلاف حقوقی بروز می کند بلافاصله شورای نگهبان با ارائه تفسیری از قانون اساسی و البته به سود خود، به پیروزی می رسد. این یک اشکال بزرگ است که باید حتما آن را در چارچوب اصلاح قانون اساسی حل کرد.

ضمن این که این سوال به وجود می آید که شورای نگهبان زیرمجموعه کدام قوه است؟ اگر زیرمجموعه قوه مقننه است که رئیس مجلس به عنوان عالی ترین مسوول نهاد قانون‌گذاری باید بتواند درباره شورای نگهبان حرف آخر را بزند.

اما اشاره به چند نکته درباره این اختلاف بی فایده نیست:

اول: به هنگام بروز اختلاف حقوقی، جای نهادهای حقوقی مستقل و غیردولتی و حقوقدانان فعال خارج از حاکمیت برجسته می شود. به عنوان مثال کانون وکلا می تواند نظر غیررسمی خود را در این باره ارائه کند یا اعضای این تشکل نظر دهند. یک رویه یا نظر حقوقی نمی تواند با نظر اکثریت حقوقدانان کشور در تضاد باشد یا این تضاد تکرار شود.

دوم: به صرف داشتن دست بالاتر حقوقی نمی توان قانون را به سود خود تفسیر کرد. قرار بر این است که نهاد حقوقی در مقام تفسیر حقوقی به واقعیت های حقوقی توجه کند همان گونه بانک نمی تواند به صرف بانک بودن در حساب و کتاب مشتریان دست ببرد و طلبکاری مشتری از بانک را به بدهکاری تبدیل کند.

سوم: در همه کشورهای توسعه یافته دنیا با وجود سیستم قضایی مستقل و بی طرف، اختلافات حقوقی در حاکمیت به این دستگاه ارجاع می شود.

چهارم: علاوه بر این، نهاد داوری حقوقی و تفسیر کننده قانون اساسی باید آن چنان از استقلال و بی طرفی برخوردار باشد که جامعه به صورت عام و دو طرف دعوا به صورت خاص، فارغ از الزامات قانونی از این نهاد تبعیت کنند و همگان این نهاد و اعضای آن را دارای صلاحیت و جایگاه داوری و تفسیر بدانند نه این که آن چنان موضع گیری ها و خط کشی های سیاسی آنان گویا و عیان باشد که رسما و علنا بخشی از رقابت و دعوا باشند و در نتیجه داوری و جایگاه داوری آنان خود به خود نزد افکار عمومی و طرف های سیاسی نابود شده بود.

پنجم: البته دادگاه قانون اساسی هم در هر کشوری زمانی موثر است که همه /اکثریت بخش های یک حکومت خود را به استقلال در عملکرد، راستگویی، مردم سالاری، رعایت واقعی قانون اساسی، رعایت حقوق مردم، حاکمیت نظر و اراده مردم در کنار تداول قدرت متعهد بدانند و اگر نه بسته ترین کشورهای جهان هم دادگاه های قانون اساسی زیبایی دارند.

دزد منهول‌ها منم!

دکتر سجاد بهزادی



روزنامه همشهری به نقل از معاون فنی و مهندسی سازمان حمل و نقل و ترافیک شهرداری تهران نوشته است "طی ماه های اخیر سرقت اموال عمومی شهر به میزان قابل توجهی افزایش پیدا کرده است و عده‌ای، حتی در روز روشن سرقت تجهیزات و امکانات شهری، تابلوهای راهنمایی و هشداردهنده بزرگراه و معابر، درپوش‌های مربوط به آب و فاضلاب (منهول)، گاردریل‌ها و دوربین‌های نظارت ترافیکی را آنی به سرقت می‌برند". خبرگزاری ایسنا نیز سال گذشته در گزارشی نوشت "سالانه بیش از ۷ هزار دریچه منهول در کشور دزدیده می‌شود."

اگر همچنان دنبال دزد منهول ها می گردید دیگر نگردید؛ دزد منهول ها منم. سرقت منهول در "روز روشن" و جلو چشم دوربین ها، کار هر کسی نیست. فقط آن بیچاره ای که از فقر به تنگ آمده است و از جان خودش سیر باشد انگیزه این کار را دارد که در روز روشن و در جلو چشمان دوربین ها دزدی کند.

دزد منهول ها منم که ایمان ندارم. مگر روایت از بزرگان دینی نیست که می فرماید" اگر فقر از دری وارد شود ایمان از در دیگر خارج می شود"؟ من فقیرم. من همان جمعیت ۴۰ میلیونی هستم که طبق آمار رسمی کشور زیر خط فقر زندگی می کنند و سالهاست مدارای نجیبانه ای با فقر دارم و جزء شرافت و پاکی چیزی در زندگی ام نیست. اما این بار از نداری و بیکاری طاقتم تمام شده است و برای لقمه ای نان و نجات خانواده ام، عقلم و ذهنم به هیچ جا بند نمی شود.

دزد منهول ها منم. مگر منهول و گارد ریل در پستوها کار گذاشته شده است که در تاریکی شب و بدور از چشم دیگران مورد سرقت قرار گیرند؟ منهول و گارد ریل در جلو چشمان هزاران بیننده و در وسط خیابان کار گذاشته اند؛ پس هر دزد و انسان بخت برگشته ای این انگیزه را ندارد که تاریکی را رها کند و در روشنایی روز سرقت کند. تنها من هستم که شرایط زندگی برایم آن چنان سخت شده است و از بیکاری و فقر به ستوه آمده ام و حاضرم در روز روشن وجلو چشمان جامعه و بی خیال از همه چیز دست به سرقت بزنم.

دزد منهول ها منم. در این سالهای سختی تحریم و بیکاری، بسیاری از ما فراموش شده ایم. از ابتدا که دزد نبودیم. فقیری بودیم که نبردی نابرابر با فقر و تهیدستی، برخی از ما را دزد کرد. شما بهتر می دانید دسترسی برابر به منابع کشور برای همه شهروندان جامعه یکسان نیست. به قول بابا طاهر عریان "یکی را می‌دهی صد ناز و نعمت یکی را نـان جو آلوده در خون"

دزد منهول ها منم. همان شهروندی که به دلیل برخورداری کمتر از فرصت های جامعه، سیستماتیک به او اجازه ندادند که در نقش واقعی خودش باشد و از سر ناچاری در لباس دزد و در روز روشن، جان و آبروی خود را به خطر می اندازد.

به قول وزیر ارتباطات در یادداشتی که به تازگی منتشر کرده است "ما به سمت سیستمی گام برداشته ایم که بخش عمده ای از شهروندانش به راحتی امکان نقش آفرینی ندارند. انسانی که از درد و فقر به خود می پیچد خود ماییم. خود مایی که فقط بر اساس شانس در خانواده ای کمتر برخوردارتر... به دنیا آمد و بزرگ شد"

دزد منهول ها منم. من یک سارق صفر کیلومترم. من همان سارق "بار اولی" هستم که در این سال های فقر خودم را کنترل کردم و به جای دزدی به هر در ودیواری زدم اما شغلی پیدا نکردم. من پاک پاکم و هیچ سوء سابقه ای ندارم. من دزد "بار اولی" هستم و ناچار شدم در روز روشن دزدی کنم. به تازگی رئیس پلیس آگاهی تهران بزرگ گفته است" در ماههای اخیر بیش از ۵۰ درصد دستگیرشدگان در حوزه سرقت برای بار اول مرتکب جرم شده بودند و این نشان می‌دهد که این اتفاقات بی‌تاثیر از شرایط روز نیست. "جناب پلیس درست می گوید. حال وروز جامعه خوب نیست وریشه های فقر با جرم در هم آمیخته است.



دزد منهول ها منم؛ از شما خواهش می کنم؛ من را اگر می خواهید دستگیر کنید، این کار را سریع تر انجام دهید. حاضرم بر اساس قانون به شدیدترین حالت ممکن تنبیه شوم؛ اما خواهش می کنم به سراغ ریشه و علت اصلی مشکل هم بروید. به نظر می رسد ریشه اصلی مشکل در جایی گم شده است و این نیست که شما مصاحبه می کنید... " علت اصلی دزدیده شدن این درپوش‌ها امکان بازیافت و فروش آن‌ها به عنوان ضایعات است. برای حل این مشکل در سال‌های اخیر تلاش شده که دریچه‌های منهول را با مواد غیرفلزی بسازند و در همین ارتباط جمعی از فارغ‌التحصیلان دانشگاه صنعتی شریف ترغیب شده اند ۷ سال زمان صرف تحقیق برای ساخت ماده‌ی جایگزین چدن کنند."

هم زمان با تحقیق برای ساخت منهول جدید، یک تحقیق واقعی هم انجام شود چرا دامنه فقر در سالهای گذشته در ایران بزرگ تر شده است. تحقیق شود چرا ماهانه کمتر از ۱۰ میلیون تومان برای یک خانوار ۴ نفره با توجه به کاهش ارزش پول ملی و قدرت خرید مردم، زیر خط فقر محسوب می شود و از آن جایی که بیش از ۷۰ درصد سرپرست خانوارها در کشور درآمد ماهانه میانگین ۳ تا ۵ میلیون تومان دارند، با این تفاسیر مشخص می شود که خیل عظیمی از جمعیت کشور فقیر بوده و یا به زیرخط فقر رفته اند.

سه عامل سقوط حکومت‌ها در نگاه فردوسی

دکتر سعید معدنی



۲۵ اردیبهشت روز بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی بود.

وی یکی از متفکرانی است که تاریخ ایران باستان را از آغاز تا سقوط ساسانیان مطالعه کرده و خود نیز در قرن چهارم و پنجم هجری در طول عمر هفتاد و اندی ساله‌اش شاهد ظهور و سقوط دولت‌هایی بوده است.

فردوسی مانند بسیاری از متفکران دیدگاهی در باره سقوط شاهان، دولت ها و حکومت‌ها دارد.



وی معتقد است که سه عامل موجب نابودی آن ها می شود:

نخست ظلم و ستم؛ ستمی که شاهان و حاکمان بر مردمان روا می‌دارند عامل اصلی و مهم سقوط از دیدگاه فردوسی است. مردمانی که توسط صاحبان زور سرکوب و زندانی و شکنجه و تحقیر و کشته می‌شوند.

دوم: حذف نخبگان و اهل فکر، و به کارگیری بی‌مایه‌گان و بی‌خردان در مسند امور و مدیریت جامعه.

سوم ، ثروت اندوزی، و سیری‌ناپذیری از داشتن دارایی که فساد مالی از سوی حکومتگران را به همراه دارد. با فزون‌خواهی خداوندان زور و تزویر جامعه فقیرتر و حقیرتر می‌شود.

سراینده شاهنامه در باره این سه عامل چنین می‌گوید؛

سرِ تخت شاهان بپیچد سه کار:
نخَسین ز بیدادگر شهریار
دگر آن که بی سود را برکشد
ز مرد هنرمند سر درکشد
سوم آن که با گنج خویشی کند
بکوشد به دینار بیشی کند

بدین ترتیب سه عامل:
ستمگری، سفله‌پروری و فزون‌خواهی،
عاملان اصلی سقوط حکومت‌های ستمگر در نزد حکیم توس است.

قبرستان قدیمی آگوجیکا بوشهر، جایی که به جای آن بیمارستان فاطمه زهرا(س) ساخته شد.



قابل توجه شهرداری و شورای شهر بوشهر !

رضا سیاهوشی



همان طور که هر مسجدی به یک سرویس بهداشتی نیاز دارد، در سطح شهر هم نیاز به چندین سرویس بهداشتی می باشد و واقعا شرم آور است که بخواهیم در ارتباط با سرویس های عمومی سطح شهر هم گلایه و شکایت نماییم! چرا و چرا و چرا سرویس های بهداشتی در سطح شهر یا بسته است یا بسیار غیربهداشتی است؟!

بارها پیشنهاد داده شده که می توان با گذاشتن نیروی در آن مکان و گرفتن مبلغی از استفاده کنندگان هم جلوگیری از تخریب و ویرانی آن نمود و هم مرتب نظافت کاری و تمیز شود. اما کو گوش شنوا! امیدواریم که نخواهید بهانه کرونا ویروس بیارید، زیرا بیشتر اوقات سرویس ها یا بسته و یا خراب است!

وظیفه شهروندی

وقتی پاکبانان عزیز با سختی خاص شغلی، وضعیت نابسامان بهداشتی و شرایط بسیار بد کرونایی در حال خدمت رسانی به مردم و نظافت عمومی شهرها بوده و هستند.

ما شهروندان هم وظیفه داریم که در تمیز نگه داشتن محیط اطراف خود در سطح شهر و به خصوص در اماکن تفریحی، عمومی و پرتردد رعایت بیشتری به لحاظ بهداشتی نماییم و به شعار «شهر ما خانه ما» جامعه عمل بپوشانیم نه این که کار و زحمت عزیزان پاکبان را بیشتر نماییم!



عکس و خاطره

افراد حاضر در این عکس دانش آموزان و معلم های دبستان روستای منصوری جنوبی شهرستان تنگستان در سال ۱۳۵۹ هستند که عبارتند از:

۱. حیدر ذاکری اصل (معلم بازنشسته)، ۲. اسماعیل سیار (معلم بازنشسته) ، ۳. محمد تیموری (معلم بازنشسته)، ۴. حیدر زنده‌بودی (عکاس و فیلمبردار)، ۵. حسین آبسته (پاسدار بازنشسته)، ۶. نعمت‌الله زالی (مغازه‌دار)، ۷. رضا خنیده (آزاد)، ۸. علی آبرون (آزاد)، ۹. مرضیه پیراسته (خانه‌دار) ، ۱۰. شیرین خنیده (خانه‌دار)، ۱۱. شهناز زالی (خانه‌دار)، ۱۲. هاجر زالی (خانه‌دار)، ۱۳. ثریا انوشانیا (خانه‌دار)، ۱۳. صغری محمدی‌نژاد (لیسانس، آموزگار ابتدایی)، ۱۴. سکینه آبرون (خانه‌دار)، ۱۵. مهوش احمدی‌پور (خانه‌دار)، ۱۶. حسن طاهریان (کارمند حراست دانشگاه خلیج فارس)، ۱۷. یوسف صبحانی‌نسب (فوق لیسانس، رئیس اداره هواشناسی شهرستان بوشهر)، ۱۸. عبدالهادی صبحانی‌خواه (مسئول سازمان اردویی، راهیان نور و گردشگری سپاه امام صادق استان بوشهر)، ۱۹. حسن منصورنژاد (لیسانس ادبیات، دبیر)، ۲۰. رباب محمدی‌نژاد (خانه‌دار)، ۲۱. روانشاد غلامعلی آرامون،۲۲. کبری خنیده (خانه‌دار)، ۲۳. عباس پاکیزه (فوق لیسانس، معاون اعتبارات بانک کشاورزی استان بوشهر)، ۲۴. دکتر علی پاکیزه (معاون آموزشی و عضو هیئت علمی دانشگاه خلیج فارس)، ۲۵. غلامرضا فرد (کشاورز)، ۲۶. دکتر حسین منصورنژاد (معلم و استاد دانشگاه فرهنگیان بوشهر)، ۲۷. عبدالله آتشکده (آزاد)، ۲۸. علی خنیده (آموزگار)، ۲۹. احمد آتشکده (کارمند پارس جنوبی)، ۳۰. روانشاد مرحوم حسن احمدی‌پور، ۳۱. حیدر آبرون (رئیس تامین اجتماعی شهرستان تنگستان)، ۳۲. حیدر طاهریان (پاسدار، بازنشسته)، ۳۳. خدر منصورزاده (کارمند صنایع دریایی)

